

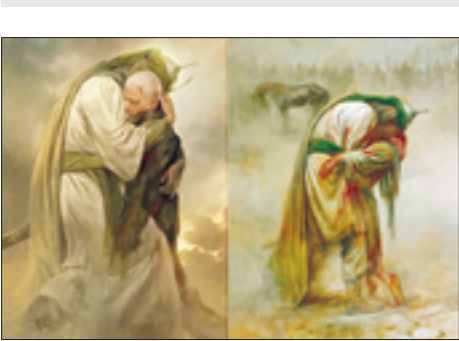
این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را باز نشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمندان شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.



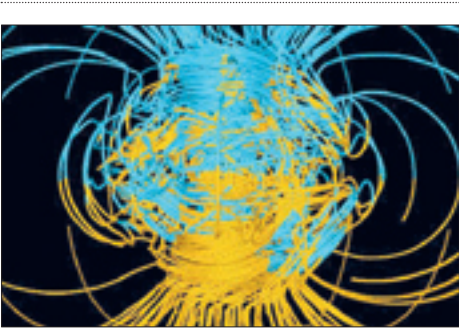
عناصر محوری نهضت حسینی

آیت‌الله جوادی آملی:

خدا فرمود: در کارگاه من از عرش تا فرش یک آدم بی‌عرضه وجود ندارد؛ من به هر کسسی مأموریت دادم، این دو عنصر محوری اداره را خوب بلد است: یکی «تخصص» و یکی «تعهد». سالار شهیدان(ع) هم به این سخن خدا استدلال می‌کند؛ وقتی کسی پیشهاد داد من فلان خدمت را به شما می‌کنم، حضرت به این آیه ﴿۵۱﴾ سوره کهف[استدلال کرد که: ﴿وَ مَا كُنْتُ مَتَّحِدًا الْمُضِلِّينَ غُفْدًا﴾ من کربلایی می‌خواهم که هم متخصص باشد در جهادشناسی و هم متعهد باشد تا آخرین قطره خون. این استدلال، استدلال یک آدم معمولی نیست، این کلام خداست. منبع: کانال تلگرامی «آیت‌الله جوادی آملی» به استناد سخنرانی شب عاشورای حسینی سال ۱۳۹۸



بهار میرزایی با کنار هم قرار دادن دو تصویر فوق و با توجه به شب ششم محرم که مرسوم است در هیئات روضه حضرت قاسم می‌خوانند، توییت کرد: «گو یا قاسم‌ها، قسم یاد کردند که بدنشان را در راه امام زما نشان قسمت کنند... چقدر جایب خالیست، شیر پیشه‌های نبرد...»



به گزارش کانال تلگرامی «توییت پرس» صفحه توییت CNN خبر داده است: محققان با تخمین سن هسته زمین معتقدند باید قدمت آن بین یک تا ۱/۳ میلیارد سال باشد. پیش‌تر تخمین زده شده بود که زمین ۱/۳ تا ۴/۵ میلیارد سال سن داشته باشد، اما محققان دانشگاه تگزاس با بازآفرینی شرایط مشابه هر مرکز زمین در داخل محفظه آزمایشگاهی توانستند سن زمین را دقیق‌تر از قبل حدس بزنند، اگر این حدس درست باشد زمین جوان‌تر از حدس و گمان قبلی است.



محمدرضا ژاری با انتشار تصویر فوق‌نوشت:بسرک‌نشسته‌بودی صدلی و می‌خواند، برادر بزرگ‌ترش کمک می‌کرد و پدر ومدارش‌های‌آب‌را برای‌سیراب‌کردن‌رهگذران‌در‌دست‌داشتند.زیر‌یک‌پرچم‌ساده «سلام به‌حسین» در‌یابی‌از‌صفا‌واخلاص‌موج‌می‌زد.کاش‌فرصت‌بود‌وساعت‌ها به‌شیند‌نوحه‌خوانی‌لنشین‌این‌دو‌برادر‌می‌نشستم.



کانال تلگرامی «احسان‌نامه» خبر داد: کنابخانه ملی سامانه حافظه ملی ایرانیان را راه‌انداخته‌است.در‌این‌سامانه‌چهار‌پایگاه‌کتاب،‌نشریات،‌اسناد و‌نسخ‌خطی‌وجود‌دارد‌که‌امکان‌جست‌وجو‌و‌پیدا‌کردن‌مدارک‌مختلف و‌محل‌نگهداری‌آنها‌را‌به‌دست‌می‌دهد.جالب‌ترین‌بخش‌به‌نظر‌سامانه‌نشریات‌این‌مجموعه‌است‌که‌با‌یک‌بیت‌نام‌ساده،‌به‌۲۳۰‌عنوان‌نشریه‌دسترسی‌پیدامی‌کند(sana.nla.ir)متلاهم‌۳۲‌شماره‌نشریه‌معروف «صوراسرائیل»‌در‌صفر‌مشروطه‌با‌پنج‌شماره‌از‌مجله «اندیشه‌و‌هنر»‌معروف‌ترین‌جنگ‌هنری-ادبی‌دهه‌۴۰‌در‌این‌مجموعه‌است.

جوان

روزنامه جوان | شماره ۶۰۱۱ | ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۹ | ۷ محرم ۱۴۴۲ |

گایبران



بازخوانی کاربران شبکه‌های اجتماعی از وقایع سوم شهریور ۱۳۲۰ و اشغال ایران به دست متفقین

برای تحقیر نشدن باید قوی بود

شهریور ۱۳۲۰، پس از دو سال از آغاز جنگ جهانی دوم ایران که اعلام بی‌طرفی کرده بود به دست متفقین اشغال شد. نیروهای شوروی از شمال و شرق به ایران حمله‌ور شدند و نیروهای بریتانیایی نیز از جنوب و غرب حمله کردند. ارتش ایران تاب مقاومت نداشت و شهرهای ایران یک‌به‌یک تسخیر شد. متفقین تنها به تسخیر شهرها بسنده نکردند. آنها رضاخان پهلوی را با فشار مجبور به استعفاء کردند و پسرش، محمدرضا را بر جای او نشاندند.

چون این خود باخته‌های ضعیف‌انفس،

قلب و جان و نفس و عقل و روح و بدن و همه چیزشان را به چشم‌های آبی سگ‌های انگلیسی، امریکایی، فرانسوی، روسی و... باخته‌اند! اگر کسی خواب باشد، می‌شود او را بیدار کرد ولی حیف که اینها خودشان را به خواب زده‌اند!

محمدصادق عابدینی:

سوم شهریور ۱۳۲۰ متفقین حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران رو با پشم برابر کردند و ارتش رضاخان زرتی از هم پاشید! بی‌طرفی فایده‌وارزشی نداره!

سعید توانا‌راد:

امروز، سالروز اشغال ایران توسط متفقین است. مجموعه‌ای از کشورهای خونخوار و وحشی در اروپا به جان هم افتادند و مملکتی که بی‌طرف بود را مورد هجوم و قتل و غارت قرار دادند.
آنهاهی که خواستار بی‌طرفی ایران در قبال مستکبران جهان و سازش با شیطان هستند، اینها را نمی‌بینند. چرا؟!

بدون هرگونه مقاومتی وارد کشور شد.

محمدصادق عزیزاده:

سوم شهر یور سالروز سس‌راز یر شدن قوای متفقین به ایران، رمان جاده جنگ از منصور انسوری داستا‌سن و زمانش به ترتب با اون فضاست. از دستش ندید. حسب ادعای نویسنده سربال در چشم باد از روی طرح اولیه جاده جنگ ساخته شده است.

بخش‌هایی از این سربال‌نشون دهنده دستور ترک مقاومت به ارتش است. ورود و استقرار چند ساله نیروهای روس و انگلیس در ایران در کنار قطعی‌که پیش اومده بود وضعیت اسفناکی برای مردم ایران به ارمغان آورد. تو چنین وضعیت قطعی، یک ایرانی یک کامیون شسکر ارتش سرخ شوروی رو می‌دزد و این ماجرای واقعی تبدیل میشه به نطفه اولیه رمان جاده جنگ.

علی خضریان:

سوم شهریور ۱۳۲۰ روز عبرت آموزی در تاریخ معاصر ایران برای جریانی است که به

جای اتکا به ظرفیت‌های داخلی، امید واهی به خارج از مرزها دارد. روزی که با اراده سیاسی غرب و شرق و به دلیل عدم پشتوانه مردمی پهلوی، لشکر ۴۷ ارتش سرخ ظرف چند ساعت اشغال ایران را رقم زد.

محمد عزیزی:

روز سوم شهریور ۱۳۲۰ کشوری با تمرکز رضاخانی و اصول مدرن مملکت داری پهلوی؟! از سوی قوای متفقین اشغال شد. در اسناد بین‌المللی از آن، نه به‌عنوان «اشغال یک کشور» بلکه به‌عنوان «توافق» یاد می‌شود و اقتدار رضاخانی با یک «توافق» وضعیت اسفناکی برای مردم ایران به ارمغان آورد. تو چنین وضعیت قطعی، یک ایرانی یک کامیون شسکر ارتش سرخ شوروی رو غیردردمی و غاصب برچیده ش‌ود، اما با مداخله قدرت‌های بزرگ و کار چاقی کنی افرادی در داخل در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ محمدرضا پهلوی بر جایگاه پدرش نشست و این دور باطل ادامه پیدا کرد.

سفر پمپئو به خاورمیانه برای پیروزی ترامپ در امریکا



جمهوری خواهان به نمایش بگذارند. بر هیچ کس چرایی این عمل پمپئو پوشیده نیست. این ترامپ بود که در سال ۲۰۱۷ میلادی سفر تاخته امریکا را از تل‌آویو به بیت‌المقدس منتقل کرد. آن هم یکی از اقدامات صاحب امضاء ترامپ در حوزه سیاست خارجی است. ترامپ در حقیقت با این اقدام، به یک سیاست‌چندین و چندساله بین‌المللی هم پشت آن بود، توهین کرد. یکی از سخنگویان وزارت خارجه امریکا درباره علت این اقدام پمپئو توضیح داده‌است که پمپئو در کنوانسیون جمهوریخواهان نه در مقام وزیر خارجه که در مقام شخص خودش سخنرانی می‌کند و از هیچ امکانات و موقعیتی از وزارت خارجه استفاده نخواهد کرد. وزارت خارجه هیچ هزینه‌ای را بابت

امارات و اسرائیل شده است. بسیاری در

یگانه‌به به نفع اسرائیل است.

پاورقی «جوان»

از «اتاق حوادث» جان بولتون

۵۰

ترجمه: محمدصادق عبداللہی



ترامپ خواستار ملاقات با طالبان شد!

در تاریخ ۲۷ اگوست، پمپئو که در کی‌یف بود با من تماس گرفت و خبر داد خلیل‌زاد اسناد توافق با طالبان را نهایی کرده و قرار است آنها را بیاورد. ساعت ۸:۴۵ دقیقه روز جمعه ۱۳۰ اگوست جلسه‌ای به صورت ویدئو کنفرانسی با دستور جلسه بررسی موضوع افغانستان و اوکراین برگزار شد. خلیل‌زاد از دوحه و من از ورشو در این جلسه حضور داشتیم. سایر شرکت‌کنندگان از جمله کارپن که بعداً حال و هوای جلسه را برایم توصیف کرد، از اتاق وضعیت کاخ سفید در جلسه حاضر بودند. ترامپ در جلسه از من پرسید: «جان! تو توافقنامه با طالبان را امضا می‌کنی؟» و من گفتم «نه آقای رئیس‌جمهور! من این کار را انجام نمی‌دهم.» من دوباره دلایل خودم را توضیح دادم و گفتم که چرا ترامپ اگر که واقعاً می‌خواهد نیروها را از افغانستان خارج کند، فقط باید به کاهش نیروها تا ۸ هزار و ۶۰۰ نفر به علاوه نیروهای وابسته و ائتلاف رضایت دهد و سپس منتظر تحولات بعدی من جمله انتخابات افغانستان بماند. این مسئله یک معامله ملکی در نیویورک نبود و ما هیچ راهی برای اعتماد به طالبان و سازوکاری برای اجرای توافقنامه نداشتیم.

پس از من خلیل‌زاد گفت که این دقیقاً همان معامله‌ای است که ترامپ قبلاً خواهان آن بود. اسپر گفتم که من به نکات خوبی اشاره کرده‌ام، اما وزارت دفاع خواستار توافق بود، چون این معامله در نهایت مشروط بود. ترامپ سرانجام سراغ سوآلی رفت که همیشه اصلی‌ترین دغدغه ذهنی‌اش بود: «دموکرات‌ها عادت کرده‌اند که هر توافق و مذاکره خوبی را به باد انتقاد و تخریب بگیرند. این توافق تا چه اندازه وجهه مرا تحت‌تأثیر قرار می‌دهد؟» اسپر پیشنهاد داد جلسه‌ای با رهبران کنگره برای مشاوره برنامه‌ریزی شود. ترامپ پرسید: «یا آنها این توافق را قبول خواهند کرد؟» من گفتم بعید است، چون همه می‌دانند که طالبان به آن پایبند نخواهد ماند.

ترامپ سپس جمله‌ای را گفت که همه شوکه شدیم. او گفت: «می‌خواهم با طالبان صحبت کنم! بگذارید آنها به واشنگتن بیایند.» وقتی این جمله را شنیدیم بی‌اندازه از اینکه به جای اتاق وضعیت در اتاق امنی در اروپای شرقی بودم، خوشحال شدم. ترامپ نظر پنس را پرسید. او با دقت گفت: «باید قبل از چنین تصمیمی حسابی فکر کنیم. طالبان به مردم خودش ظلم کرده و الان هم که واقعاً تغییری نکرده‌اند!» بعد از کمی صحبت درباره نظر کنگره پیرامون توافق با طالبان، ترامپ مجدد گفت: «من غنی را نیز در اینجا به همراه طالبان می‌خواهم. باید با آنها قبل از امضای توافق ملاقات کنم. نمی‌خواهم این کار فقط با یک تماس تلفنی انجام شود.» خلیل‌زاد گفت: «آنها هم دوست دارند که بیایند.»

ترامپ نظر من را هم پرسید. در آن لحظه با خودم گفتم که موافقت با این دیدار می‌تواند به نوعی موجب تعویق توافقنامه شود؛ چراکه طرف‌های افغان وقت لازم داشتند تا درباره مواضع خود به جمع‌بندی برسند و این باعث می‌شد، توافق احتمالاً برای یک دوره طولانی به تعویق بیفتد. این به ما فرصت می‌داد تا راه دیگری پیدا کنیم که بزراب توافقنامه را بزیم. من جواب دادم: «مشکلی ندارم، به شرط اینکه آنها قبل از دیدار با شما، از قوی‌ترین آهن‌ریاب‌ب جهان رد شوند.» ترامپ هم به درستی اضافه کرد: «و البته شیمیایی‌باب!»

ترامپ نظر من را هم پرسید. در آن لحظه با خودم گفتم که موافقت با این دیدار می‌تواند به نوعی موجب تعویق توافقنامه شود؛ چراکه طرف‌های افغان وقت لازم داشتند تا درباره مواضع خود به جمع‌بندی برسند و این باعث می‌شد، توافق احتمالاً برای یک دوره طولانی به تعویق بیفتد. این به ما فرصت می‌داد تا راه دیگری پیدا کنیم که بزراب توافقنامه را بزیم. من جواب دادم: «مشکلی ندارم، به شرط اینکه آنها قبل از دیدار با شما، از قوی‌ترین آهن‌ریاب‌ب جهان رد شوند.» ترامپ هم به درستی اضافه کرد: «و البته شیمیایی‌باب!»



جدال شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های سنتی

حفاظت از داده‌های خصوصی را زیر پا گذاشته باشند، در حال انجام است. واقعیت این است که حتی فشار به گوگل روزبه‌روز در برابر اعتراضات مدیران و فعالان رسانه‌های سنتی در خصوص تقصیر آنها در تضعیف روزنامه‌ها ناشکیباتر می‌شوند و مدیران آنها می‌گویند ضعف روزنامه‌ها و مجلات در سراسر دنیا و مشکلات آنها تقصیر فیسبوک و دیگر شبکه‌های اجتماعی نیست، موفقیت گوگل، فیسبوک و دیگر سک‌وهای خود ایند روزنامه‌ها، تا سال ۲۰۲۳ به کمتر از ۴ میلیارد دلار کاهش پیدا می‌کند.

حالی است بدایتیم که در سال ۲۰۰۰ میلادی سود روزنامه در امریکا ۶۶ میلیارد دلار بود. بر اساس برآورد کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد، ۶۵ درصد از کل درآمد تبلیغات آنلاین در سال ۲۰۱۷ به شکل انحصاری در اختیار دو کمپانی گوگل و فیسبوک بوده است. بخش عمده‌ای از عدم منفعت روزنامه‌ها و رسانه‌های سنتی در حوزه تبلیغات، در ایالات متحده اتفاق افتاده است. بر مبنای ارزیابی سازمان ملل متحد، بخش عمده‌ای از موفقیت فیسبوک به‌خاطر «اثر شبکه‌ای» است، به این معنی که به دلیل تعداد کاربر می‌شوند، بلکه ممکن است در ادامه راه خود آینده روزنامه‌نگاری را به زورنالیسیم را، به

تعریف امروزی آن، به خطر بیندازند. فیسبوک و گوگل با جمع‌آوری اطلاعات خصوصی علایق و سلیقه‌های کاربران‌شان بود که موفقیت بیشتری کسب کردند، درحالی‌که بسیاری از رسانه‌های سنتی از این مسیر جان‌مانند. با این حال، فیسبوک و گوگل که نسبت به انتقاده‌ها و فشارهای بیرون ایمن‌نشدند تحقیقات زیادی درباره نحوه استفاده فیسبوک از این اطلاعات و اینکه آیا شبکه‌های اجتماعی با اقدامات‌شان ایجاد انتصار کرده‌اند یا ممکن است قواعد

ایجاد روزنامه‌نگاری نیست.